

# علوم شرق اسلامی چگونه به اروپا رفت؟

نویسنده: دکتر فیلیپ حتی

استاد دانشگاه کلمبیا در نیویورک

ترجمه: استاد احمد منزوی



در پانز هر سال می بینیم که کشتی ها شماره بزرگی از استادان امریکائی و فرانسوی و انگلیسی را در سواحل مصر و سوریه فرود می آورند؛ اینان برای نشر و ترویج زبان های انگلو ساکسون و لاتین و تعلیم مبادی و اصول فلسفی اروپائی می آیند.

اما نکته ای که در این جا جلب توجه می کند این است که، نه فقط علم از غرب به شرق آمده و می آید، بلکه غرب نیز در ازمنه پیش سالیان متمادی از منابع شرقی سیراب می شده است.

مسئله اول امر تازه ایست. ولیکن قسمت دوم بسیار کهنه و در خور توجه است!! تفاوت مهمی که میان این دو می باشد آنست که سیلاب علوم شرق به دست اروپائیان به طرف غرب رهسپار شده ولی شرقی ها برای به دست آوردن علوم مغرب زمین کوششی از خود به کار نبرده اند و اگر امروزه می بینیم که آن علوم در شرق رواج یافته مرهون همت غربی ها است که به دست خود، علوم غرب را به شرق نقل می نمایند.

## تماس شرق و غرب در کوههای پیرنه

تسلط مسلمین بر آندلس اولین حلقه تماس بین شرق و غرب و از سلسله حوادثی بود که در نتیجه آن علوم و معارف شرقی در غرب راه یافت. شکی نیست که فتوحات مسلمین در جنوب غربی اروپا و استواری ایشان در آندلس به مدت چند قرن، سبب شد که از ایشان دانشمندی مانند ابن رشد و ابن خلدون و دیگران بظهور رسید که در نتیجه فلسفه و علوم شرقی در اذهان اسپانیاییها و فرانسویها و از ایشان به دیگران نفوذ یافت. همین وجود مسلمین در اروپا سبب شد که کتابهایی که دانشمندان اسلامی در دانشگاههای بخارا و الجزیره و شام تألیف کرده بودند ترجمه شده و در اروپا منتشر گردید. ما فقط به کتاب قانون تألیف ابن سینا استشهاد می کنیم، که چگونه دانشمندان اروپائی آن را یگانه برنامه پزشکی خود در مدت پنج قرن (۱۷۱۲) قرار داده بودند. این کتاب در سال ۱۴۹۱م به زبان عبرانی ترجمه و



اشاره:

در موضوع انتقال علوم از شرق به غرب و نحوه انتقال آن تاکنون مطالب زیادی در قالب کتاب و مقاله در نشریات علمی به چاپ رسیده و بحث و گفتار بسیاری در سمینارهای داخلی و خارجی مطرح بوده است. این مقاله نیز در راستای همین امر مهم توسط دکتر فیلیپ حتی، استاد دانشگاه کلمبیا به رشته تحریر درآمده است و توسط استاد فرزانه جناب آقای احمد منزوی ترجمه گردیده است. هر چند این مقاله اول بار در ماهنامه جلوه س ۱ (۱۳۲۴-۱۳۲۵)، ش ۹-۱۰: ۵۸۸-۵۹۳ به چاپ رسیده است، با توجه به اهمیت آن و به مناسبت تجلیل از این فهرست نگار عالیقدر در آئین بزرگداشت حامیان نسخه های خطی جهت بهره برداری علاقمندان در ویژه نامه پیام بهارستان درج می گردد.

نسخه اصل عربی آن در سال ۱۵۹۳م. در روم به چاپ رسیده، و سپس به لاتین ترجمه شده است. همچنین باقی تألیفات ابن سینا را در منطق و فلسفه طبیعی به لاتین ترجمه کرده‌اند، و هم چنین بیشتر تألیفات ابن رشد را پیش از آنها ترجمه کرده بودند، ولی متأسفانه ترجمه نوشته‌های ابن رشد غیر مرتب و درهم می‌باشد.

باید متذکر شد که دانشمندان و فلاسفه یهود مانند دو زبان‌شناس معروف، ابن حیوج و کمخی، و جیروول شاعر، و میمونیدس (ابن میمون) فیلسوف، که در کوه‌های پیرنه اروپا نشو و نما کرده‌اند، یک عامل مؤثری در توجه افکار آنها به معارف شرق اسلامی بوده‌اند. مثلاً ابن حیوج ملقب به ابی النحو العبرانی در مراکش و در سال ۹۵۰م. تولد یافت و در شهر قرطبه (CORDOVA) زندگانی می‌کرد، و همچنین زندگانی میمونیدس (۱۱۳۵-۱۲۰۴م) در شهر قرطبه بود، و ابن جیروول (۱۰۲۱-۱۰۷۰م) و کمخی (در اثنای قرن دوازدهم) در جنوب اسپانیا زندگانی کرده‌اند، بلکه بیشتر دانشمندان یهود در آن زمان کتابهای خود را به عربی نوشته‌اند، اما به حروف عبرانی، و آثار تمدن شرقی در نوشته‌های آنها کاملاً پیداست.

تأثیر فرهنگ شرق عربی در تمدن اروپا در قرون وسطی امری است که مردم چه از شرقیان و چه از خاورشناسان در آن مبالغه بسیاری کرده‌اند، تا جایی که بعضی از محققین، بیشتر اصول تمدن غرب را به مبادی شرق می‌پیوندند، و از آن جمله اخیراً خاورشناس امریکائی وینر (WIENER) استاد دانشگاه هافزرد کتابی در دو جلد نوشته که می‌خواهد در آن اثبات کند که یک قسمت زیادی از تمدن گوتیک، عربی الاصل می‌باشد، چنانچه تعداد بسیاری از لغات گوتی را در درجه اول، و آلمانی و انگلیسی را در درجه دوم مشتق از کلمات عربی دانسته، و میان هر دو کلمه‌ای که اندک سنخیت لفظی با هم داشته باشند یک علاقه بیلولژی برقرار می‌داند.

**جنگهای صلیبی** با همه زیانهایی که در پی داشت، بالطبع نتایج خوبی نیز داشت. یکی از فوائد معنویش آن بود که برای نخستین بار اروپائیان را به گنجینه‌های علوم ریاضی، فلکی، پزشکی و فلسفی شرق آشنا کرد. و امکان اقتباس از این گنجینه‌ها را آسان کرد. آن کشتیهایی که جنگجویان را به شرق فرود می‌آورد به جای آنها کالاها و مصنوعات را به غرب منتقل می‌کرد، چه در هر راهی که مال‌التجاره نقل شود علوم و صنایع به دنبال آن به راه خواهد افتاد، زیرا که در هر نقطه قدم اول را جنگجو و گام دوم را تاجر و سوم را دانشمند می‌نهد. این سه اصل همیشه در تاریخ اجتماعی بشر مؤثر بوده است.

**سقوط قسطنطنیه:** غلبه ترکها بر حکومت بیزانس در نیمه قرن پانزدهم، موجب آن شد که عده زیادی از دانشمندان یونان به داخل قاره اروپا

کوچ کرده، و مقدار بی شماری مجلدات کتاب همراه خود به اروپا نقل کردند، و پیش از آن ادبا و دانشجویان ایتالیائی و غیر ایتالیائی برای تکمیل علوم عالی به آتن و قسطنطنیه می‌آمدند. سپس به واسطه این فتح و مهاجرت دانشمندان به داخل اروپا، یک میل تازه به فلسفه یونان و فلسفه شرقی در میان اروپائیان پیدا شد و این را باید حلقه سوم از تاریخ ارتباط شرق و غرب دانست.

**جنبش بزرگ افکار:** در اواخر قرن پانزدهم در دنیای افکار اروپائیان جنبش بزرگی دیده می‌شود که مقصود از آن رهائی از زیر بار اعتقادات و تقلید دینی و فرار از پنداربافی‌های فلسفه پوسیده موهوم و برگشتن به علوم قدیمه یونان بود و این جنبش را رنسانس (RENAISSANCE) می‌نامند، این تحول فکری نتیجه سه عامل اساسی بزرگ می‌بود:

۱. فتوحات مسلمین در اسپانیا ۲. جنگهای صلیبی ۳. سقوط قسطنطنیه.

اواخر این دوره اروپائیان را میل زیادی در کنجکاوی برای شناختن گذشته و طرز تفکر شرقیان دست داد، زیرا میان ملل یونان و روم و ملل شرقی بستگی‌های اخلاقی و ادبی و توافق خون و نژاد وجود داشت و بعلاوه موجبات دیگری هم به شرح زیر در بین بوده است:

### «موجبات»

**عاطفه دینی:** ممکن است که اولین وادارکننده اروپائیان بر کنجکاوی در اطراف علوم شرقی همان نظریات دینی بوده است، چه قسمت زیادی از آنها بخصوص گلریک‌ها بیشتر مطالعات خود را در علوم شرقی روی کتب



دینی قرار دادند تا بهتر بتوانند به یک حمله تبشیری و تبلیغی اقدام کنند، و نخستین مدرسه‌ای که برای این منظور برپا شد مدرسه مقدس ایمان بود. که به وسیله پاپ گریگوریوس پانزدهم در سال ۱۶۲۲م دائر شد و پس از آن دانشکده دیگری برای تبلیغات دینی در زمان اوربانوس هشتم در سال ۱۶۲۷م. تأسیس گردید، و مقصود هر دوی آنها تربیت مبلغین و چاپ کتب دینی برای کلیساهای شرق بود.

**استثمار و تجارت:** بزرگترین عامل نزدیک شدن اروپائیان به علوم شرق همانا امور سیاسی و اقتصادی است.

حکومت فرانسه از مدتها پیش یک توجه خاصی به مسیحیان بلاد مقدسه داشت و همیشه دانشمندان خود را به فرا گرفتن دروس و معارف شرقی برمی‌انگیخت، و در قرن هجدهم، بلکه پیش از آن، دانشمندانی را برای فرا گرفتن تاریخ و زبان و بررسی در عقاید دینی به شرق نزدیک گسیل می‌داده، چنانچه از مقدمه کتاب گرماتیک عربی تألیف دساوری (DESAVARY) که در سال ۱۷۸۴م به دولت متبوعه خود برای چاپ تقدیم کرد (ولیکن پیش از سال ۱۸۱۳م به چاپ نرسید) به خوبی این معنی مفهوم می‌شود. بعلاوه تاریخ نشان می‌دهد که روابط دوستی ملت فرانسه با ملت سوریه بسیاری از فرانسویان را به فرا گرفتن علوم عربی وادار ساخت. بخلاف ملت انگلیس<sup>۱</sup> که با وجود روابط زیادی که با ملل اسلامی داشته جز در این اواخر، مستشرقین زیادی تربیت نکرده، در صورتی که خاورشناسی در آلمان جنبه استعمار آن از همه آشکارتر بوده، و روسیه با آنکه چندان علاقه‌ای به علوم شرقی نداشته، معذک اخیراً توجهی به این قسمت از علوم پیدا کرده است.

### «وسائل»

**افراد:** از اوائل قرن دهم میلادی در تمام شهرهای عمده اروپا، خاورشناسانی بوده‌اند که سعی و کوشش زیادی در اطراف زبان و طرز تفکر شرقیان می‌کرده و بیشتر عمر خود را در این راه، چه از روی هوس و چه برای مقصود معینی صرف کرده‌اند. برای مثال کافی است به دو قضیه اشاره کنیم که یکی قدیم و دیگری نوین می‌باشد:

در ایتالیا امروزی دانشمندی است به نام پرنس کیتانی (LEONE, CAETANI) که بزرگترین خدمت را با به عالم اسلامی کرده است، این خاورشناس در سال‌های ۱۹۰۸-۱۹۰۵م هشت جلد کتاب بزرگ با گراورهای جالب توجهی در تاریخ اسلام نوشته، که می‌توان گفت تقریباً بی‌نظیر می‌باشد.

این کتاب علاوه بر تاریخ اسلام یک تاریخ عمومی است، که مطالب آن به ترتیب سال تنظیم شده و وقایع مهم آن از مدارک قدیمی عربی به ترتیب سال حدوث، نقل شده است، و دارالمنی حاشیه‌ها و نقشه‌هایی می‌باشد، و اگر

این کتاب به یکی از زبانهای دیگر اروپائی نوشته شده بود هر آینه استفاده بیشتری از آن می‌شد.

یکی دیگر ریمون لال (RAIMON LULL) می‌باشد که در قرن سیزدهم میلادی در ولایات کتالونیا (CTALONIA) از زمینهای اسپانیا زندگانی می‌کرد، وقت خود را به تدریس لغت عربی و تأسیس مدارس برای تربیت استادان و مبلغین دینی صرف کرد.

ریمون مدت نه سال در دیرفرنسیسکان در میرمار (MIRAMAR) به تحصیل عربی مشغول بود و کتابی هم تألیف کرد که در آن آثار واضحی از کلیله و دمنه وجود دارد.

ریمون سفری کرد به قصد آنکه پاپ کلیمنسوس پنجم و پنیفاس هشتم را به تأسیس مدارس تبشیری برای تعلیم علوم شرقی وادار کند. پس از آن نیز سفرهایی به پاریس، منتیلیلیر، ژنو و قبرس کرده، ولی به مقصود خود نرسید.

**جمعیتها:** امروز در شهرهای بزرگ اروپا انجمنهائی مانند اکادمی همایونی آسیائی لندن و اکادمی آسیائی فرانسه موجود می‌باشد که عده زیادی از خاورشناسان را که از دانشمندان غربی و دوست‌داران علوم و ادبیات شرق می‌باشند در بر دارد. هدف این انجمنها غالباً همان کوشش در مباحث علمی از لغت، فلسفه، تاریخ و ادیان شرقیان و همچنین توسعه دائره معلومات اعضاء انجمن بوسیله سخنرانیها و نشریه‌های ماهیانه و چاپ کتب سودمند می‌باشد.

**علمای مارونیان:** درست است که مسلمین اندلس و جنگهای صلیبی و دولت بیزانس سه عامل مهم انتقال علوم و آداب شرقی به غرب بوده‌اند، اما شکی نیست که خاورشناسان متاخر اروپائی، فرزندان مسلمین اندلس نمی‌باشند بلکه دست‌پرورده دانشمندان مارونی لبنان می‌باشند. همان کسانی که در قرن شانزدهم و پس از آن زبان عربی و سریانی را به ایتالیا و فرانسه وارد کرده‌اند، و در آنجا مبادی فلسفه و تاریخ و دیانت شرقی را انتشار داده‌اند، و در اروپائیان حس کنجکاوی و تتبع در افکار فرزندان شرق نزدیک ایجاد کرده‌اند و سرانجام می‌توان گفت که لبنانیان در آشنا کردن غرب به علوم شرقی سهم بزرگتری را احراز کرده‌اند.

اولین استاد زبان‌شناس سریانی در اروپا یوسف خوری می‌باشد که از طرف بطربریک سمعان (۱۵۱۵م) به روم رفت، و اولین کتابی که در نحو سریانی در اروپا نوشته شده است، نگارش زبان‌شناس جرجیس میخائیل عمیره بوده که یکی از شاگردان دانشگاه مارونیان در روم می‌باشد.

و نخستین کسی که تاریخ فلسفه شرق را به زبان فرانسه نگاشت ابراهیم حاقلائی<sup>۲</sup> می‌باشد که در نزد اروپائیان معروف به (ECCEHELENSSI)

است، حاقلانی استاد دو زبان عربی و سریانی در دانشگاه روم و پاریس بوده و در سال ۱۶۶۴م در سن شصت و چهار سالگی پس از تألیف شصت کتاب در تاریخ و فلسفه شرقی و زبانهای سامی درگذشت. اولین کسی که تاریخ مارونیان را به لاتین نوشت «مرهج نمرون» از شهر «بان» لبنان بوده، که به جای خالوی خود ابراهیم حاقلانی استاد دانشکده «شاپنزا» در روم بود، و در سال ۱۷۱۱م درگذشت. و از استادان دانشکده شاپنزا یکی جبرئیل صهیونی می باشد (۱۶۴۷-۱۵۷۷م) که پس از استادی در شاپنزا به مترجمی «لوئی سیزدهم» انتخاب شد. و سپس به استادی زبانهای سامی در (سوربن) انتخاب گردید و سرانجام با کمک یوحنا یحسوتی تورا را ترجمه کرد. بیشتر این دانشمندان از دانشکده‌های فارغ‌التحصیل شده‌اند که در سال ۱۶۵۸م برای دانش‌آموزان مارونی تأسیس شده بود، و بدون شک این دانشکده از عوامل بزرگ انتشار علوم شرقی و زبان سامی در ایتالیا، فرانسه

و سایر نواحی اروپا می باشد. در اینجا به مردی برمی خوریم که می توان زندگی او را یگانه حلقه اتصال میان علوم شرقی و دانشمندان اروپا دانست و او یوسف سمعان سمعانی است که بزرگترین دانشمندی است که سوریه تا به امروز تربیت کرده و به خود دیده است، سمعانی در طرابلس و در سال ۱۶۱۷م به دنیا آمده و در روم به سال ۱۷۶۸م درگذشت، پاپ او را دو بار به سوریه برای جمع آوری مخطوطات شرقی فرستاد. کلیمنسوس دوازدهم او را مدیر دوم کتابخانه واتیکان برگزید، و او هم دهها از کتب خطی عربی، حبشی، فارسی، سریانی، ارمنی، عبرانی و یونانی را به چاپ رسانیده و منتشر کرده است. مهمترین نوشته‌های یوسف کتاب المکتبه الشرقیه (BIBLIOTECA, ORIENTALIS) می باشد، که از بزرگترین مصادر خاورشناسان به شمار است. حتی، فیلیپ علوم شرق اسلامی چگونه بارویا رفت؛ ترجمه احمد منزوی. جلوه، س ۱ (۱۳۲۴، ۱۳۲۵)، ش ۱۰۹: ۵۹۳، ۵۸۸.

بسم الله الرحمن الرحيم  
 بیت سلامی پخوان کرم  
 بانگ صریحم کار  
 خات که بسم الله پستی پار  
 سرکه بود بر پیر این رسم  
 بی بود آفت از رسم اللش  
 انجم کار در سینه این رسم  
 در مقامات فرسی پهر قلم  
 حمد خدایت که ارکاب کن  
 علوم درون با دنیای چین  
 چون رقم او بود این تازه حرف  
 جز بتایش نشان کرد حرف  
 لیک شایش ز پان تبرت  
 سرجه زبان کوید ازان تبرت  
 حمد چذ و سپاس نیلے عد خالق که مرقع مضمون پهر قطع بیت از

۱. مخفی نماید که نویسنده مقاله در این چند سطر تحت نفوذ سیاست وقت واقع شده زیرا نظر استثماری ملت انگلیس نسبت به شرق همیشه بیش از سایر ملل اروپا بوده است.  
 ۲. حاقلان از بلاد لبنان است. این مرد زبان فارسی را نیز می دانسته چنانچه کتاب «جام گیتی نما» را به لاتین و عربی ترجمه و در سال ۱۶۴۱م در پاریس چاپ کرده است (برای تفصیل رجوع شود بنزیه (ج ۵، ص ۲۵ س ۱۸ و ۴)